

را بدم توپ است و نقطه نقطه مینمودند (۱) خرید اسپکتاتور مطبوعه لندن
مینویسد و ما در مدتی که شورش دوام داشت اقلاً ۱۰۰,۰۰۰ نفر هندی را
بچنگال مرگ سپرده و از دست زندگی محروم کردیم (۲) این حک را
انگلیسها و طبیبان بر علیه انتظام و قانون و هندیها و داکتری برای حصول
استقلال و نام نهادند این اسامی ساده مخصوص نگانی من مهم میباشد .

مزم خود انگلیسها نتیجه این حک را بطور شرح میدهند

رپکی از دایرتهای هند ، تفتیشیه که در سال ۱۸۰۴ مدم محاس
مسونان گردید چنین مندرج است : « برای نگه داشتن انجمنی خصوصی این
مسئله بآثر آورد است که بشود و علیه کپیایی بوحاشات اوضاع عمومی و
تدرت فقر و سختی ادای هند ابروده است (۳) در سال ۱۸۲۶ هجرت استغ
نگاهی من وقت دهائیه که سره رعایای این مملکت در تب
درد و زاری و کالبد آری ای هندستان آزاد هند و از غریبانی
آنها بدست ر و اعب انگر تر است ... من هیچکس را ملامت نمیکنم که
از این ملامتها زاری که در وقت و زاری و تحمل و زاری و حدأ
مستند باشد که هندستان در در روز کودتال فقر و تر سختی و آوازی
زیادتر میشود (۴)

« من میل دارم ... [روح هندوستان مینویسد

انگلیسها انتظار داشتند که در اثر سوء مدیریت
اهالی (۱) و (۲) طوری بود که در تطاول و تحت فشار استبداد
واقع شده است که بطور آن در هیچ نقطه دنیا دیده نشده است : (۳) این
سرهنگ ریکس در سال ۱۸۳۰ اظهار داشت : من وجداناً متروم که هیچ
دولتی در حواله مسلمان و حواله هندو باشد اداره و حکومت ما که در دنیا متظاهر
به قانون برستی و نظام دوحتی است تا این اداره مردم را در فشار نیاورده

۱ - مون ص ۲۹۴

۲ - مائدر لاند ص ۱۴۳

۳ - لاجات رای ص ۲۴۳

۴ - دوت ص ۳۷۰

۵ - لاجپانرای ص ۳۱۱

و بدینطور آسایش آنها را سلب نموده است (۱)
ف. ج. شور F. J. Shore حکمران انگلیس در پنجاه سال
۱۸۵۷ در حضور مجلس مبعوثان مراتب ذیل را اظهار نمود:
« انگلیسها يك اصل اساسی را در هندوستان بموقع اجرا گذارده و
بیرونی میکنند یعنی میخواهند بهر راه و هر طریق باشد هیئت اجتماع هندوستان
را بکلی منهدم و برده خود نموده و هر طور مایل باشند از دستر بیج آن ها
استعاده کنند ، این مردم فقیر و گرسنه ، آفات های گزاف و فوق العاده تحصیل
شده ، هر ابالی بدست ما افتاده آنها را آلات اسماع خود قرار داده ایم ، ما افتخار
میکنیم که خیلی بیش از آنچه که شاهزادگان هندی میتوانند از عمالک خویش
عایدات برسد از هندوستان منافع تحصیل میکنیم : هندی ما از هر گونه افتخار و
حقوق مدنی و از احراز رتبه های اداری که پست ترین افراد انگلیسی مینوانند
حائز گردند محروم مانده اند (۲) این بود طریق بسط اقتدار انگلیس در
هندوستان ایستادن منقاد عاوی حکومت بریطانیا را بمسئولیت حکمرانی و فرمانروائی
در هندوستان :

اکنون بهتر است گذشته را کنار گذاشته و بشریح او ضاح کنونی
آن مملکت برداریم و نکته بنکته نشان دهیم که چطور او این انگلیس با
اینکه متظاهر بان همه اصلاحات و نوع پروری است جامعه و تمدن هندوستان
را بطرف محو و بستی سوق میدهد ؟

۴ اصول طبقاتی در هندوستان

مطابق اصول طبقاتی فعلی جامعه هندوستان بچهار طبقه تقسیم میگردد

۱ - برهمنای حقیقی یعنی حوزه اداری انگلیس

۲ - کشانریای حقیقی یعنی فئودال انگلیس

۳ - ویسیای حقیقی یعنی تجار انگلیس

۴ - مردودین حقیقی یعنی کلیه جامعه هندوستان

(جامعه هندوستان مطابق عادت جاریه در اصل بچهار دسته منقسم

شده است اول طبقه روحانیون که مافوق تمام طبقات و اصناف قرار دارند

۱ - دوت ص ۲۷۲

۲ - ای بی ص ۴۱۱

و اختیارات آنها نامحدود است . قشون و افراد لشکری در جزء طبقه دوم و تجار جزء طبقه سوم محسوبند بجز این سه طبقه يك طبقه مخصوص در هندوستان هست که مادون تمام طبقات قرار گرفته در کودال سالت و بذات بسر میبرد و از تمام امتیازات و حقوق مدنی و اجتماعی محروم هستند این طبقه که باسم (مردودین یا نجس ها) موسوم میباشد تمام در يك محل مخصوص سکنی دارند و حق ندارند از آنجا خارج و با طبقات دیگر اختلاط و امتزاج نمایند . جز بامور پست حق اشکال هیچ کار آبرومندانه ای ندارند در ب مگانب و مدارس و معابد عمومی بروی آنها بسته شده و در نظر هندوها بقدری نجس میباشد که اگر سایه آنها به یک نفر هندی بیفتد آن هندی خود را نجس شمرده و برای تطهیر خویش مجبور است در همان رات و بعضی مراسم مخصوص بجا آورد . خلاصه اوضاع زندگی آنها بقدری تاسف آور است که با پست ترین حیوانات فرقی ندارد مقصود نویسنده این است که انگلیس ها بعد از تصرف هندوستان تمام اختیارات و حقوقی را که مخصوص طبقه اول بود بخود تخصیص داده و جامعه هندوستان را از تمام حقوق مدنی و بشری محروم نموده اند بطوری که ملت هند در پیشگاه آنها همان حالی را پیدا کرده که طبقه مردودین در پیشگاه سایر طبقات ترجم (اکنون که از اصول طبقه بندی در هندوستان واقف شدیم امتداء حوزه روحانیت یعنی حوزه اداره انگلیس را تشریح میکنم :

در این قسمت عشاق و هواداران آزادی ملاحظه خواهند کرد که از موقع اصلاحات (موتاکو) و (جامسفورد) در سال ۱۹۱۹ تاکنون بعضی ترقیات محسوس در هندوستان روی داده است . تقریبا ربع جمعیت هندوستان در قسمت مستقل آن سر زمین بوده و از رعایای شاهزادگان و حکمداران بومی محسوبند . آزادی این حکمداران و هیئت شورای ممالک آنها در حدود معینی محصور و تا موقعی که مطابق میل و دلخواه ساکنین اروپائی که مامور حفظ مصالح و منافع امپراطوری انگلیس در هندوستان می باشند کار میکنند و اوضاع اداری آنها اصطکاک مستقیمی بانظریات انگلیس ندارد بهرطور که بخواهند میتوانند مملکت خود را اداره نمایند . در بعضی از این ایالات مخصوصا در (بیسور) و (بارودا) اصول يك معروطیت عالی و

قابل تحسین بر قرار میباشد که در سایه آن مردم خیلی بهتر و سریع تر از هندوستان انگلیس بطرف ترقی و تعالی و تمدن و ترویج میروند. هر یک از این ایالات دارای يك مجلس شورای و قوه مقننه میباشد. هفتاد درصد این نمایندگان با يك آزادی محدودی از طرف خود اهالی واز میان مردمان بومی و بیست و پنج بومی درصد آنها با از میان صاحبان زمین و روسای انگلیسی با از میان پادشاهان بریتانیا انتخاب می گردند. در رأس مجلس مقننه يك وزارت مختلط، يك شورای بحریه که از طرف اولیای دولت بریتانیا انتخاب شده و فقط در مقابل آنها مسؤول و موظف باداره کردن امور مملکتی و نظارت در قوانین و وضع مالیات اراضی میباشد، و يك شورای وزارتی که از طرف حکومت های ایالتی تعیین و عهده دار بعضی امور کم مسئولیت از قبیل تعلیم و حفظ الصحة عمومی و غیره میباشد قرار گرفته در رأس هر ایالت حکومتی از طرف امپراطوری انگلیس قرار دارد که به در مقابل مجلس مقننه بلکه در مقابل نایب السلطنه و پارلمان انگلیس مسؤول میباشد. این حکمران اختیار رد و انشاء بعضی قوانین را که در نظری مخالف مصالح امپراطوری انگلیس جاوه کند دارد و اگر لازم بدانند میتواند مطابق میل خود قانون یا مالیاتی را که فرضا مجلس مقننه هم با آن مخالف باشد وضع و بموقع اجرا بگذارد (۱)

مجلس مقننه مرکزی که در دهای تشکیل مییابد هر گزب از ۱۴۴ نفر عضو میباشد و از این عده ۳۱ نفر توسط دولت انگلیس انتخاب میشود. قانون انتخاب ۱۰۴ نفر از آنها طوری تنظیم شده که مطابق اصول نسبی از هر ۲۰۰ نفر یک نفر حق رای در انتخابات دارد مجلس عالی یا شورای ایالتی دارای ۶۰ عضو می باشد که بیست و هفت نفر آنها از طرف دولت انگلیس و ۳۳ نفر با يك نوع آزادی محدودی از طرف خود اهالی انتخاب میشوند. رای دهندگان نه از لحاظ ملیت بلکه باید از حیث کیفیت عقاید دینی و مسلکی نمایندگان خود را انتخاب کنند. هندوها عده معینی هندی مسلمان عده مسلمان و اروپاییان عده معینی اروپایی انتخاب مینمایند هیچگونه تناسب عادلانه مابین عده رای دهندگان و عده نفوس آن ایالات

موجود نیست ، اگر ما حرفها و معاذیر دوات انگلیس را قابل قبول بدانیم باید بگوئیم این ترفیب برای حفظ حقوق مسلمینی که در اقلیت واقع شده و ۲۵ در ۱۰۰ اهالی را تشکیل میدهند وضع و معین شده ولی آنچه که واضح است ترفیب فعلی انتخابات یکی از مؤثر ترین عوامل ایجاد طاق و احتلالات مذهبی و نژادی است که هر سیاست مدار حقیقی مو ظاف امر تبع ساختن آنها می باشد

در راس این محاسن مرکزی که هیچیک از امور در تحت مسئولیت آن اشخاص نمیگیرد (۱) شخص بایب الساطه و هیئت مجریه او وضع شده که از طرف امپراطوری انگلیس تعیین میگردد ، بایب الساطه در رد و قبول پیشنهادات و لوایح قانونی مدار است و در اغلب موارد لوایحی که تصویب محاسن بر رسیده باشد بمقتدر که بایب الساطه آنرا مخالف مصالح دولت بریطانیا تشخیص دهد اختیار فسخ کردن آنرا دارد ، بایب الساطه در وضع هر گونه مالیات و اجرای هر قانون ولو مخالف عقاید عموم عشاء محاسن مقبله باشد مختار است (۲)

دولت سمون لردم ادامه این وصفت را گوشزد میکند : در اغلب موارد حتی رأی از محاسن مقبله سلب است ، در بعضی موارد دیگر حق احتیاج و چیرن و چیرا ندارد ، (۳) ، بعضی نواحی در موارد مذکور و بعضی موارد سیاسی : بر اساس حقوق و تقاضای خاص اشخاص مخصوص این نواحی مختارم تصویب محاسن نمیشد و دولت میتواند بدون اطلاع آن در اینطور موارد هر طور بخواهد رفتار کند (۴) خلاصه اختیارات بایب الساطه که دست نشاند امپراطوری و پارلمان بریطانیا است غیر محدود میباشد

او دارای علم و بصیرتی نامتناهی است ، و بکنه گماشته سیاسی میباشد که در نتیجه استعداد و لیاقتش در اجرای امور و قدرت اداری و حسن سلوکه در استقرار انتظام و تشخیص موارد اشخاص انتخاب شده بوسی مقربان انتخاب او استعدادی است که برای استفاده از مردمی گرسنه و فقیر دارد

۱ - دائره المعارف بریطانیکا طبع چهاردهم جلد ۱۲ ص ۱۶۷

۲ - لاجیات رای ص ۴۶۲

۳ - ساندرو لاند ص ۴۲۴

۴ - این سیک Encyc جلد ۱۲ ص ۱۶۷

خیلی بندرت اتفاق می افتد که اطلاعات و مطامعات بگذر از اوضاع عمومی هندوستان مقیاس لیاقت او برای احراز مقام نیابت سلطنت واقع شود اگر این اطلاعات با یک حال عاطفه و همدردی نسبت به هندوستان در وجود بگذر پیدا شود گاهی بزرگ برای او شمرده شده ولیاقت احراز مقام نیابت سلطنت را معاطور که از لورد ریپون Lord Ripon سلب کرده از او نیز سلب مینماید نایب السلطنه هندوستان می باید در نتیجه پنج سال اقامت و کار و انجام وظیفه اطلاعات مختصری از اوضاع و احوال مردم این سرزمین بدست می آورد تازه راه را از چاه تشخیص میدهد که دوره خدمتش بسرآمده ایام خدمتش پایان رسیده باید جای خود را بدیگری واگذار نماید .

در صورتیکه حکومت مسؤل انگلستان باشد و به هندوستان حق دخالت در امور خود ندهد بدیهی است که مطابق میل و دلخواه خود هر قدر بخواهد میتواند مالیات وضع نماید و هیچ مانعی در ادعی در جلو او وجود نخواهد داشت . گرچه قبل از استیلاء دولت انگلیس اراضی این سرزمین جزء اموال شخصی و خصوصی بود ولی بریتانیا پس از تصرف آن خوبشتن را مالک بالاستحقاق اراضی شناخته و مالیاتی برای زارمین وضع نمود که عبارت بود از خمس مجموع محصولات و عوائد زمین (۱) در بعضی موارد بقدری مقدار مالیات را بالا میبرد که بیشتر از نصف مجموع عواید و محصولات بان تعلق میگرفت : گاهی اتفاق می افتاد که تمام عواید میبایستی تسلیم دولت گسرده و این روبه کم و بیش در این مدت در هندوستان جاری بوده و امروز بطور کلی مالیاتی که باراضی هندوستان وضع میشود تقریباً سه مقابل مالیاتی است که قبل از استیلاء انگلیس بدوآت وقت پرداخته میشد (۲)

حق انحصار تجارت نمک بادوآت است : دولت بریتانیا علاوه بر قیمتی که بدلخواه خود برای نمک تعیین میکند از هر پوند (معادل پنج سیر و نیم) معادل سه شاهی بعنوان مالیات در پات میدارد . سنگینی این مالیات را بدوآت مردمی و از گون بخت و تهی دست در صورتی میتوان فهمید که اوضاع زندگی آنها و اندازه عوائد سالیانه هر فرد هندی را بنظر آوریم : در هندوستان

۱ - کتاب سالانه هندوستان ص ۲۹۹

۲ - دوآت ص ۲۹۶ و ۳۲۱

رویه گرفته هر يك از افراد توده در سال بیش از سی دلار عایدی ندارد . بکنفر
از معنین امریکائی در آن سرزمین مینویسد و با کمال جرأت میتوان اظهار
داشت که در هندوستان یکصد میلیون جمعیت پیدا میشود که در سال هر نفری از
آنها بیش از پنج دلار عایدی ندارد (۱) « آری اگر این نکات و این حقایق
را در نظر داشته باشیم ما نیز تصدیق خواهیم کرد که همین سخت گیری ها
و مالیاتهای گزافی که از آنها مأخوذ میگردد و همین فقر و بینوائی مسئول عدم
حفظالصحه عمومی آن ممالک میباشد .

چاکارت ویلسن Catchcart Wilson عضو پارلمان میگوید :
« اگر تناسب عوائد و محصولات عمومی را در نظر بگیریم می بینیم مالیاتهای
موسومه در هندوستان بیش از هر مملکتی در روی زمین میباشد (۲) « مالیات
سراجه در هندوستان تا همین اواخر دو مقابل مالیات سراجه جزیره انگلاند و سه
مقابل اسکاتلاند بود . هربرت اسپنسر Herbert Spencer رعایه و این مالیات
بی انصافانه که بیش از نصف عواید و محصولات عمومی هندوستان در تحت آن
عنوان به پسا میرود « شدیداً اعتراض نموده (۳) بکنفر انگلیسی دیگر موسوم
به ج . م . هیندمان H M Hynbman پس از اینکه اثبات نمود مالیاتهای
موسومه در هندوستان سنگین تر از مالیات هر مملکتی است در صورتیکه اهالی آن
تنگدست ترین و بیچاره ترین مردم روی زمینند کتاب خود را « ورشکستگی
هندوستان موسوم ساخت . سر ویلیام هونتر Sir William Hunter عضو سابق
شورای بیات سلطنت در سال ۱۸۷۵ اظهار نمود « مالیاتهای دولتی برای اهالی
هندوستان اینقدر از محصولات خودشان باقی میگذازد که برای خوردن سالانه
و کشت و زرع آنها ناکاف کند (۴) « مستر تور برون Mr Tborburn که
وقتی یکی از اعضاء کمسیون مالی پنجاب بود اظهار داشت « تمام عواید پنجاب
... از خرمن محصولات آن بدست میاید (۵) « ولی از موقعیکه مالیات
بر عواید نیز وضع شده است این ادعا را متزلزل نموده است .

۱ - لاجپات رای ص ۳۵۴

۲ - جاندولاند ص ۱۵

۳ - ایضاً ص ۱۵

۴ - لاجپات رای ص ۳۵۶

۵ - ایضاً ص ۳۶۲

در نری چیناپولی Trechinoboly از راهنمای خود سؤال کردم که
 سیصد یا چهارصد سال قبل پولهاییکه بمصرف ساختمانهای بنظیر آن شهر و
 صابد زیبای (مادورا) و (تانجور) میرسید از کجا بدست میامد ؟ دلیل من
 از روی اثر جوابداد راجه های هندی با اینکه خیلی کمتر از انگلیسها مالیات
 وضع میکردند ولی همت به بنای این ساختمانها گماشتند . امروز ، هندیها
 توانائی جاوگیری از این خونخواری را ندارند و مقتنه آنها فاقد قدرت و
 اختیار است . امروز در صورتیکه بواسطه وضع این مالیاتهای گزاف جامعه
 این مملکت دربرنگاه سهمگین فقر وفاقه پرتاب شده است و در زیر بار تهیلهستی
 و بیوائی میالد دولت بریطانیا عواید خود را بمصرف ساختمانهای غیر لازم
 دولتی در دهلی و جاهای دیگر میرساند و این ساختمانها عموماً با روح معماری
 هندی منافی است

دولت در هر سال همت ماه وقت خود را بمصرف تغییر محل حاکم شبن
 و نقل و انتقال پرسنل خود از محلی بمحلی مینماید و مایوها دلار برای اینکار
 بمصرف میرساند . هر چند وقت یکمرتبه برای اینکه ساطه و اقتدار خود را
 بهفر مردم هود و سرخ دهد دربار محتشم و باشکوهی ترتیب داده و چندین
 ملیون برای اجرای مراسم درباری صرف میکند (۲) و بعد میدهد
 نتیجه این اسراف برای هندوستان چیست ؟ قرضه عمومی این مملکت
 که در سال ۱۷۹۲ از ۳۵۰۰۰۰۰۰ دلار تجارر میکرد در سال ۱۸۰۵
 به ۱۰۵۰۰۰۰۰۰ دلار ، در سال ۱۸۲۹ به ۱۵۰۰۰۰۰۰۰ دلار ،
 در سال ۱۸۴۵ ۲۷۵۰۰۰۰۰۰۰ دلار ، در سال ۱۸۵۸ ۳۵۰۰۰۰۰۰۰۰۰
 دلار ، در ۱۸۶۰ ۵۵۰۰۰۰۰۰۰۰ دلار ، در ۱۹۰۹ ۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰
 دلار ، در سال ۱۹۱۳ به ۱۶۳۵۰۰۰۰۰۰۰ دلار ، و در سال ۱۹۲۹ به
 ۳۵۰۰۰۰۰۰۰۰ دلار رسید (۷) بالارفتن متوالی این اعداد بسیاری از
 حقایق را در نظر ما روشن و آشکار مینماید .

طبقه دوم . اهالی هند عبارتست از قشون انگلیس — هند

۱ — ساندلاند ص ۳۶۹

۲ — لاجپات رای ص ۳۴۴ الی ۷ ، روت ص ۱۳

مجموع قوای فسی هندوستان بالغ بر ۲۰۴۰۰۰ نفر میباشد (۱) میان این
عده تقریباً شش هزار نفر (۲) انگلیسی وجود دارد که صاحبمنصبان قشون
و تمام هوانوردان که عده آنها بالغ بر ۱۸۷۴ نفر (۳) میباشد جزء آنهاست
بقیه قشون از افراد هندی تشکیل یافته و در میان این عده کثیر فقط معدودی
بدرجه صاحبمنصبی رسیدهاند ، حق دخالت در امور هوایی و قورخانه اژهندیها
صاحب است فقط ۷۰ درصد افراد قشون از آنها تشکیل میگردد . دولت بریتانیا
اهالی هندوستانرا فاقد لیاقت دماغ در نظر دنیا قلمداد است زای حاضر نیست
همین اشخاص و نالایق ، را مطلقالسان نموده و آراد بگذارد تا خودشان من
جنگ و قتال را آموخته و بکمال رسانند .

مصارف نگاهداشتن این قشون که موظف است با استطاعت گلوله و سرریزه
طوق رعیت را بگردن وطن و هموطنان خود بیندازد از جیب خود اهالی
بیرون میاید . پولیکه در سال ۱۹۲۶ بمصرف نگاهداری این قشون رشید ،
معادل ۶۶۰ ۷۳۵ ۲۰۰ دلار بود . اگر این مبلغ را نسبت میان اهالی
هندوستان تقسیم نمایم خواهیم دید هر یک از افراد این ملت خواه مرد خواه زن
و خواه طفل ۳ درصد عواید خانوادگی خود را فقط برای نگاهداری این
قشون بدوات پرداخته است . در هر جا که قشون هند مجبور شود برای حفظ
منافع دوات انگلیس جانفشانی کند ، خواه در افغانستان یا برمه ، خواه در
بینالنهرین یا فرانسه ، (دولت انگلیس مختار است قشون هندرا بهر جا بطولاند
اعزام دارد) مضارح آن از خزانه امپراطوری انگلیس که جنگ و خونریزی
برای بسط اقتدار آنست بیرون نیاید . در هر جای دنیا که قشون هند برای
حفظ منافع دولت بریتانیا با بذل جان خود دفاع نماید مصارف جنگ تا دینار
آخر از عواید داخلی هندوستان تحصیل میشود .

در سال ۱۸۶۷ که بریتانیا قشونی به هندوستان اعزام داشت تنها
حقوق تمام افراد و صاحبمنصبان آنها در تمام مدت توقف آنها در هندوستان
و تمام مصارف حمل و نقل آنها را از انگلستان به هندوستان یا برعکس از

۱ - دائرةالمعارف بریتانیکا - جلد ۱۲ ص ۱۷۸

۲ - وود ص ۱۸۸

۳ - کتاب سالانه هندوستان ص ۲۸

در سال ۱۸۳۳ پارلمان انگلیس مطابق اعلامیه رسمی مقرر داشت که هیچیک از افراد هندی که از لحاظ رنگ، نژاد، دین یا بریطانیاییها اختلاف دارند نمیتوانند در راس هیچیک از ادارات واقع شوند (۱)

در سال ۱۸۵۸ ماکه و بکنوریا در طی اعلامیه رسمی چنین اعلام نموده بود که تصمیم ما این است که رعایای خود را بدون رعایت اختلاف رنگ و نژاد در هر طبقه و طبقه باشند در دوائر مختلفه بگماریم و هر يك را در حدود رسم توانائی و بتناسب ثروت و استعدادش بدرجات عالیه ترقی دهیم (۲)

با وجود همه اینها سیاست معنوی و بساطتی انگلیس در هندوستان هیچ تضریر نموده بلکه همیشه بطوری اجرا میشده است که دست افراد آنرا از سیاست و قدرت کوتاه و شخصیت اجتماعی آنها را تحقیر و یا مال نماید در هر سال بیش از دوازده هزار نفر محصل از دارالفنون های مختلفه هندوستان دوره تحصیل خود را در آنجا بکمال رسانیده و پاخذ تصدیقنامه قائل می شوند، صد ها جوانان هندی در مغرب زمین دوره دارالفنونها و دنیورسیت های اروپا و آمریکا را بپایان رسانیده اند تصدیقنامه های خوبش را در دست گرفته و بموطن خود مراجعت میکنند ولی چون با نجا میرسند فقط در بستان ترین درجات و رتبه های آشوری و لشکری را بروی حوش مقنوح و اشغال بستان های عالیتر را برای خود متمن می بینند، آنچه مسلم است کمتر از چهار درصد متاعلی که حقوق و عواید عالیانه آن از ۴۰۰ دلار تجاوز کند در دست خود هندوها اداره میشود (۳) این مشاغل و رتبه های عالیه مخصوص افراد انگلیسی بوده و هندوها لیاقت اشغال آنها را ندارند. نمیتوان انکار کرد که بعضی از این عمال و کار برداران لیاقت مقامیر را که در هندوستان احراز نموده اند دارند ولی اکثر آنها فاقد لیاقت و اعتماد بوده و فقط از لحاظ هموطنی با رؤسا و اولیاء دولت استخدام شده و بهندوستان گمیل گردیده اند در سال ۱۹۰۹ لورد اسکویت Lord Asquith آشکا را اظهار داشت که اگر مشاغل و مقامهای عالی هر هندوستان به افراد هندی واگذار شود ولو اینکه این افراد در بی لیاقتی

۱ - دوت ص ۴۲۴

۲ - ایضا ص ۲۳۴

۳ - لاجپاترای ص ۳۹۵

و بی استعدادی بدرجه کار پردازان انگلیسی هم نرسند و از آنها خیلی کاردان تر باشند ، انگلیسی ها این مسئله را بکنوع اهانت اجتماعی نسبت بخود محسوب میدارند (۱)

سرلویز مالت Sr Luis Mallet معاون سابق وزیرت هندوستان و رامزی ماگدونالد که هر دو از وضعیت هندوستان دارای اطلاعات جامعی میباشد این نظریه را با اظهارات خویش تأیید مینماید . دکتر و . ا . روتنهورد م . پ . Dr V. A. Rutherford M.P. میگوید . برای هر يك از مشاغلی که فیلا دز هندوستان بدست افراد انگلیسی اداره میشود با جرأت میتوان گفت پنج یا ده نفر هندی وجود دارد که هر يك از آنها میتواند کار آن انگلیسی را با نصف همان حقوق با طرز بهتر و عالی تری اداره نماید . (۲) باید افراد انگلیسی دو مقابل خود اهالی حقوق داد تا بتواند کرامت آن مملکت را تحمل کنند .

آزاده مردانی مانند النین اسنون ، مونرو ، بن تینک ، مگانوی ، وبن کابت ، ورپیون بر ضد این قانون جابراکه که مطابق مقررات آن هندیان تربیت شده و با اطلاع از احوال متاعل عالیه محروم میباشد یا بهتر بگوئیم بقول لایحات رای بر ضد این « قتل و عام يك هیئت اجتماع » اعتراض نمودند ولی بیهوده و بلا ثمر (۳)

یکی از مبلغین آمریکائی میگوید « مشاهده جوانان تربیت شده هندی که دارای لیاقت و کفایت و اطلاعات وافق میباشد ولی « مجبورند که در تحت اوامر جوانهای بی تجربه انگلیسی که در مملکت خودشان ممکن نبود بتوانند خوبستن را از ردیف سوم اداری خارج کنند یکی از مناظر معمولی شده و هیچکس بفر آن نیست : ما پدین این وضعیت عادت کرده ایم » (۴)
راماناند . چانرچی میگوید « اطباء و جراحان حاذق هندی بجرم هندی بودن مجبورند چند سال از عمر ذقیمت خود را بعنوان معاون در

۱ - ساندرا لاند ص ۳۱۱

۲ - ایضا ص ۲۵۸ و ۲۰۹

۳ - ایضا ص ۴۸۶

۴ - لایحات رای ص ۳۸۹

مریض خانه ها بگذرانند در صورتیکه جوانان نا یخته و بی تجربه انگلیسی
عهد دار ریاست آنها بوده و عوایدشان پنج یا شش برابر آنها است (۷) ،
سرتوماس مونرو حکمران بریتانیا در مدرسه تقریباً در یکصد سال قبل
نظایر دات ، و موقیقه مسلمین حکمران هندوستان بودند هندیها بخوبی می
توانستند عالیترین مقامات و درجات کشوری و لشگری را حائز شوند ، نقط
در نسبت حکومت بریتانیا است که جامعه هندی از حقوق مدنی و اجتماعی محروم
مانده و حتی در موارد مهم که بخدمت در بگی از دوائر پذیرفته شوند با ریاست
ترین و کرها تفاوت دارند . (۱)

اورد لیتون Lord LitOn که در سال ۱۸۷۸ باب الساطنه هندوستان
بود میگوید : از آنجائی که مرا بصحت بیانات خود یقین و اطمینان حاصل است
بدون تردید و تمایل میگویم دولت بریتانیا که متهم است که با تمام قوای خود
میگوشد که در باطن بر حلاف آنچه که در ظاهر می گوید عمل کند ،
هنوز نتوانسته است برائت ذمه خود را از این اتهام ثابت و کردار را با گفتار
منطقی نماید . (۲)

طرز رفتار دولت بریتانیا جامعه هندوستان رموز امتیازات سابق را
در نظر مگشوف و روشن مینماید . کسانی که از انگلستان ، هندوستان اعزام
میشود ممکن است در اصل مردمانی نجیب و بیگوار باشند ولی پس از
ورود بانجا طوایف نمیکشد که استعماله عجیبی در آنها تولید میکرد طرز
رفتار پیشوایان و پیشقدمان آنها که سرمشق منحصراً بهرد آنهاست از یکطرف
و عدم مسئولیت حقیقی از طرف دیگر بکلی اخلاق و خصایص آنها را تغییر داده
و وادار میکنند که خشونت و سخت گیری اداری را با بدترین طواری نسبت
جزیرستان هندی بسوق اجرا بگذارند . در ضمن یکی از رایزنها که در سال
۱۸۳۵ تقدیم پارلمان گردید چنین نوشته شده است : « در هندوستان هیچ چیز
باندازه طرز رفتار توهم آمیز مامورینی که حتی از لحاظ رحم و اتفاق
استخدم شده به آن کشور اعزام گردیده اند که در اثر ابراز لیاقت ، در حق

۱ - ساندرا لاند ص ۳۵۵ - ۷ - ایضا ص ۳۰۶ -

۲ - دوت ص ۳۲۱

۳ - دوت ص ۴۶۶

اهالی آن مملکت ، غیر قابل تحمل و زنده نیست (۱)

طرز رفتار افراد انگلیس ها در هندوستان بطوریکه که کوئی بگانه
وسیله ابقاء مقام و ترنید حروت و احتشام خود را در این میدانند که بایک رویه
تخلیر آمیز در هر قدم قدرت و اختیار و امتیاز خود را نسبت به اهالی بنمایانند ،
بهیچوجه در حیات و زندگی مردم شرکت نمینند ، و هرگونه اختیار و اجتماع
اشرافی را نمود تخصیص و عموم اهالی را مانند حمی بنده و رده شمرده و
در مقابل خویش حاکم را پندارند

کوهی از طرز معاملات مسلمانان و حارایان در مام مسلمانان انگلیس
بیطور مدانه ، ساندرلاید اطلاع میدهد که انگلیسی ها در هندوستان بطوریکه
با اهل امر سلوک میکنند که کوئی آنها را عرب و بیگانه و وحشی و فاجده هر گونه
نماند در آن سرزمین مسلمانان وحش و وسوسه آفری تا قدر و تودیش انگلیسی
ها سبب بدو اهالی قدری ظلم و اذیت که طرز رفتار در این امور
با اهل سرگذشت (ژورنال) و (ژورنال) را در این امر تا ساندرلاید
میاورد ، مشارالیه در جای دیگر مواردی را شرح میدهد که چون خود
دیدار است چگونگی سرایان پست انگلیسی ، ماه برهن در این امر و سبب
و محترمانه از طبقه اول قطار ماشین با کمال تعجب و بوهی سرور انداخته و
باها حق و اصرار ، ابراهام که با خودشان در یک طبقه نشیند ، و ساندرلاید
زیماند David Ziman که در این ایامات دبل تأیید مینماید

امتنار نیست ترین افراد انگلیسی در مقابل اهالی هندوستان بینه همان امپراتوری
است که در اهربقا خوبی ماس خود و وحشی های سیاه قائل هستند یعنی هر
یک از افراد انگلیسی میتواند در هر مورد هر یک از افراد هندی را با بون محاکمه
و تحقیق مجازات کند ، من اینقدر بطایر اینرا پیشم خود دیدم که اگر بخواهم
آنها را نویسم مشوی هفتاد من کاغذ شود (۳)

سرهنری کانون Sir Henry Cotton که مدتها کماشت دولت انگلیس در
هندوستان بود می گوید ، استبداد چابراه ای که حکومت هندوستان در این

۱ - دوت ص ۸۱۴

۲ - ساندرلاید ص ۳۷۶

۳ - زیماند ۱۸۴

ممالک بموقع اجرا میگذارد از استبدادی که در ایام تزار در روسیه جاری بود هیچوجه کمتر نیست و بهمانطور که اشراف روسیه تمام حقوق و امتیازات زندگی را بخود تخصیص داده بودند حکومت هند نیز هرچیز خوب را مخصوص خود نموده است. (۱)

من در تمام مدتی که در هندوستان بودم نظایر این رفتار جار را و تحقیر امرا را هر در یکمورد شخصا و برای اولین بدم یعنی آنچه که می توانستم مشاهده کنم این بود که انگلیسیها هیچیک از اورد های را از هر طایفه و نژاد و در مجمع خود را استبدادند.

در نتیجه این استبداد و فشار قلب هندوها بکلی شکسته شد و معنوی و اخلاقی این ملت متوقف گردید، روح امیدوار، دمه و درخشان را از تنی که در آن روز گاری، در آن در ایام شهرهای هندوستان بود و در روز و باود شده است، آیا انگلیسیها میخواهند ما را که در آن روز و در آن قوی اخلاقی هندوها سرب و ابراز آن کشور از همه و کتاب و روح اندام و انگار محرومند؟

کدام ملتی را پیدا میکنید که شواهد در در روز از آن ملتی که در تحت نفوذ ساریه حکومت سفاکه موفق تریب و پروس و قوی و خصایص نگردد؟ پروس راس میگوید «رقیت و استبداد یک ملت و سلفقوی احسی مؤثر ترین عوامل انحطاط قطعی و سربح آن ملت است» (۲) شارل فرانسیس ادامس در سال ۱۹۰۱ در پیشگاه جامعه تاریخی امریکا چنین گفت، «اگر تمام صحاح تاریخ حیات بشر را ورق بزنیم مورد را پیدا نمیکنیم که نژاد یا ملتی که ما آرا هست میخوانیم، در صورت زیر دستی و تابعیت احاب توانسته باشد خود را از حظیض ذلت خلاص کند، باصلاح روح حیات خویش موفق گردد؛ و توانائی اداره کردن خویش را داشته باشد، من میتوانم باکمال یقین و اطمینان بگویم اگر نژاد و ملتی مغلوب و زیر دست ملت دیگری شد ولو اینکه از لحاظ قوای روحی و اخلاقی و فکری با آن مساوی باشد در نتیجه همین اسارت و زیر دستی تمام خصایص و تضایل روحی و اخلاقی، مجادی حیات

۱ — ساندولاند ص ۴۸۲

۲ — ایضا ص ۱۷۰

اجتماعی و اصول تمدن آن دچار ضعف و انحطاط شده و هیچ قوه ای قادر نخواهد بود از اقرض آن جلوگیری کند اگر در اینخصوص از من توضیح بخواهید میتوانم اقامه دلایل قاطعه ثابت کنم که این قانون یکی از توأمیس جنسی و لاینفیر و دائمی طبیعت میباشد « هندی میگوید « اصول و قوانین خارجی که امروز هندوستان را اداره مینماید این مملکت را بطرف انحطاط و یرتکاء نمیشود سوق داده است مادیر از معصیصه ثبات رای و اعتماد به نفس محروم مانده ایم « « برطایا هندوستان را بفقدان مردانگی متهم مینماید و ای این خود امپراطوری برطایا است که در اثر فشار و سخت گیری و وضع قوانین ظالمانه و بیاعتدال قوه سربره روح مردی و مردانگی را در اهالی این مملکت کشته است . هر انکسی حقیقی باید از اینکه امروز در هندوستان شورشی برپا شده شادمان و مسرور باشد زیرا این شورش ثابت میکند که هندوستان هنوز بکلی ناکه روح و توانائی نشده و نیمه جانی دارد انقلاب کنونی آثار جدید حیات و روح و توانائی هندوستان و منادی استقلال آن بوده و نشان میدهد که بالاخره بگنر هندی هم میتواند در ردیف يك انسان حقیقی بسمار آید

• - زبانها و اقتصادی

بحران اقتصادی هندوستان معلول قطعی ضعف و مغلوبیت سیاسی آن میباشد . این حقیقت بقدری مسلم و واضح است که حتی بگنر مسافر هم که تصادف و اتفاقات او را هند کشانیده باشد بخوبی میتواند بطرابی اوضاع فلاحات بی برد و درجه فقر اهالی را دریابد مسافر هر بود رهیت پابرهنه و عربان هندی را میبیند که در مزارع برنج و اراضی خارجیها برای خوشه جینی در تکایو میباشد . لباسی که ساتر بدن اوست عبارت از يك پارچه مندرس و مستعملی است که بدور کمر پیچیده و با این حالت ذلت بار برای فراهم کردن قوت لایسوت در کشکشی و زحمت است

مخابق احصائیه که در سال ۱۹۱۵ راجع باوضاع عمومی ناحیه بنکاله

ساجی ایالت بمبئی درجه حرارت طاقت مرصا و غیر قابل تحمل است . هوای کثیف آنها در ابدك مدتی ربه را علیل مینماید مرصا در این کارخانجات مجبورند برای تهیه مایحتاج زندگی بیش از حد توانایی کار کنند ولی پس از هائی کار بکوفت ملتفت میشوند که صحت خود را بگلی از دست داده و بروی هوای آنها روی بضمیمه و احتیاط نهاده است . در پیش از صرف این کارخانجات کارگران در هر هفته به حداقل شش ساعت بکار واداشته میشوند روزمره موافق هر کار گری در روز از شصت الی هفتاد ساعت .

قریباً (همه قرار هم) میباشند ولی با دست که کارگران همی میتوانند در هر حال کارگران از هوائی با اثر کشی که استوائی است در هر حال در اثری ندارند .

در سال ۱۹۲۰ با وجود کمبود و در نتیجه در این کارخانجات مردم هر ساله و بسیار کم در روز در این کارخانجات (در این طرف) در هر سال در این کارخانجات در هر سال در این کارخانجات ۱۰۰۰ کارخانه با راه راه در این کارخانجات در این کارخانجات با اداره مرصا و هم آنها در وقت بگذرد این جهت است که در این کارخانجات خود در سال ۱۹۲۰ در این کارخانجات در این کارخانجات در صد رسید یعنی هر بگنویان سرمایه آنها در آخر سال پس از وضع خارج سه تومان بالغ شد .

اما کارگران : خانه و مسکن و طرز همیشه این دسته البته باید متناوب با حقوق آنها باشد غالباً اعضای يك خانواده مجبور میشوند که تمام حیوانات خانه خود در يك اطاق بست و محقر سر مرصا . زیرا در يك اطاق محقر و تاریک تا سی نفر مستاجر مشاهده کرده بود (۱) که مانند بگدسته حیوانات تارك هم سر میبرد . این است و نه انقلاب صنعتی که دولت بریتانیا مدعی است در مدت استیلاء خود در این سر زمین به وجود آورده است .

مردم مانند حیوانات دسته دسته بطرف کارخانجات هجوم می آورند زیرا نمیتوانند با زراعت اراضی معاش خود را تأمین کنند محصول فلاحتی

کفاف معاش آنها را تا اندازه هم می دهد زیرا مالیاتهای کزاف بر اراضی بسته شده ساکنین آن کشور زیادند و از طرف دیگر صنایع داخلی آنملکت که زارعین در زمستان خود را با آن مشغول کرده و کمک حرجی تحصیل مینمودند در اثر غلبه بریتانیا از رونق افتاده و بنگالی از بین رفته و این روزنه هم بروی مردم میره بهت مسدود گردیده است

صنایع بدی هندوستان از ازمینه قدیمه در تمام دنیا معروف بوده است نجارو بیانی مصنوعات هندی را بازار غرب آورده و زودی فروش میرسانده اورمه مورخ انگلیسی میگوید « صنعت بنه ریسی در سراسر کشور هندوستان رایج و معمول بوده است (۱) » در حال باامتعات ده گهاری معرورسی خود در مواقع حاجت میتواند مردهای خود را بازار ریسی و بنه ریسیها ساکن هندوستان شروع برقات آنها کرده و در وقت حصر با آنها در ماشین و آلات در صد هزاره و دهها هزاره در این صنعت در این جهت تصمیم کرده که هندوستان را با سایر کشورهای دنیا با هم بتواند آزادی برای رواج مصنوعات ریسی به دست می آورد همه را بهاد « رئیس کمیسیون هندوستان شرقی صنایع در هندوستان ریسیم حاکم را وسیله متوفی زیاد کند وای و امثال در انکورد و کاره به ساریشم باقی بومی از کار بار بماند تا با مدیکان ریسیم مجبور شود رای کدیایی و در کارحانجات کمیایی کار کند « برای اجرای این نظریه قانون وضع شود که هیچ کارگری در خارج از کدیایی اجازه کار کردن ندارد و رای متعلقین مجازاتهای شدیدته تعیین نمود (۲)

پارلمان انگلیس برای اینکه مصنوعات بدی داخلی هندوستان را بکلی از میان برده و مصنوعات ماشینی خود را جایشین آن نموده و رواج بدهد در جلسات متعدد مذاکرات زیادی بعمل آورد. در نتیجه مذاکرات مذکور مقرر شد که از واردات مصنوعات هندی درانگلاستان از ۷۰ الی ۸۰ در ۱۰۰ گمرک دریات کنند ولی حکومت هندوستان در مقابل بازار آنملکت را بروی مصنوعات انگلیسی باز و آزاد گذاشت « برای اینکه بهتر و سریعتر با مال خود که عبارت

۱- لاجیات رای ص ۱۳۲

۲- دوت ص ۲۵۶

از اضمحلال صنایع داخلی هندوستان بود تا آنکه بگردند به تجارت منسوجات پنبه هندوستان مالیات زیادی وضع نمودند (۱) یکی از مورخین انگلیسی مینویسد «چقدر تأثر انگیز است که می بینیم سر زمین هندوستان امروز از ناحیه دولتی که پناهگاه و خطه انگاه آن محسوب میشود تا این اندازه دچار زیان و خسران میگردد: اگر هندوستان دارای استقلال بود میتوانست در مقابل این تجاوزات و مظالم مقابله بعمل کند، میتوانست اقلاً از مصنوعات وارده انگلیسی مالیات دریافت دارد و باین طریق مصنوعات وطنی خود را از بی-م زوال و اضمحلال ایمن بدارد. هندوستان اجازه دفاع نداشت داداشده هندوستانرا يك دولت احسی بکالی در ید اقتدار خود قبضه نمود. البته انگلیسی بدون پرداخت مالیات اهالی آن تحمیل میدهند، مصنوعات خارجی با استعانت مظالم و فشار سیاسی نویست رفیب زیر دست خود را از بین برده و با بود نماید:» (۲)

یکمهر انگلیسی دیگر مینویسد: «ما با تمام قوا و توانائی خود کوشیده ایم که جامعه هانوک و مانوایی را که قربانی تجارت و اسیر سر پنجه نهار بر طمع انگلیسی شده است بیشتر از پیش بطرف فقر و فنا بکشانیم: انگلستان در تحت عنوان تجارت آزاد بازار هندوستان را با وضع کردن مالیات خای کمی بر روی مصنوعات کارخانجات لاکتیر، پرکتیر، کلاسکو و غیره از گذاشته و در عین حال مصنوعات یدی زیبا و با دوام بنگاله و بهار را بقدری مالیات و کمرك بسته است که تجارت آنها در انگلستان تقریباً غیر ممکن است.» (۳) در نتیجه این اقدامات ما نهچسپتر و بایسای رو بطرف همران و آبادی رفتند ولی صنایع وطنی هندوستان سرباً بطرف انحطاط رهسپار گردید. باینطریق مملکتی که رای هر گونه ترقی و آبادی مستعد بود پیشرفت آن در تحت تاثیر شدت و اجبار متوقف ماند و بازار این سرزمین وسیع بمصنوعات انگلیسی منحصر گردید.

هیچیک از معادن زرخیز هندوستان توسط خود اهالی استخراج نشده زیرا رقابت با معادن انگلیس بکالی ممنوع بوده است (۴) چندین علو-ون

(۱) — دوت ص ۲۵۶ و ۲۵۷

(۲) — دوت ص ۲۶۳

(۳) — هندوستان شرقی تالیف مارتن مانت کامری ص ۲۹۵

(۴) — زیماک ص ۱۹۱

صنعتکاری که در هندوستان مصنوعات بدی را وسیله ارتزاق و معیشت خود خود قرار داده بودند برای اعاشه خویش به فلاحت رو آوردند. کوهن میگوید هندوستان بعد بیک مملکت زراعتی کامل و تمام عیار گردیده و اهالی آن بقدری در صعوبت بودند که نزدیک بود از کرسنگی تلف شود (۱) ، این عده کثیر که میبایستی صنعت و فلاحت هر دورا در دست داشته و زندگانی خود را با آن تامین نمایند اینک نصف وسیله خود را از دست داده اند و مجبورند آنها از راه فلاحت زندگی میکنند. هندوستان بطوری در گرداب مذلت و فقر غوطه ور گردیده که امروز ساکنین آن از هر گونه وسیله آسایش و تنعم محروم مانده اند. زبان و اطمال آن از هر ط کرسنگی باشعاسی شباهت دارد که بدن آنها عبارت از یک اسنخوان بنداست که گوشت در روی آن دیده نمیشود.

تایید در بند امر تصور میرفت که ساختمان راه آهن بطول ۳۰۰۰ میل در هندوستان تا اندازه ای وسائل و آسایش اهالی را فراهم مینماید ولی متأسفانه این راه آهنها هم برای انگلیسها ساخته شد نه برای هندیها. خود این کشور از احداث راه آهن منتفع شد و فوائد آن همه بجیب انگلیس ، بجیب قشون انگلیس و تجار انگلیس وارد میشود. اگر در این موضوع تردیدی دارید ممکن است بطرز عملیات راه آهنها دقیق شوید. بهترین اقلام عواید راه آهن هندوستان برخلاف امریکا از مال التجاره های صادره نیامد. زیرا این راه آهن در دست تجار اداره میشود. کرایه حمل و نقل مسافریں درجه سوم که عبارتست از جامعه هندی مهمترین اقلام عایدات کمپانی راه آهن را تشکیل میدهد.

این عده مسافریں غالباً مانند یکمده حیواناتی که بجای مسلخ مبروتند، در درون يك واگون جایگیر میگردند و غالباً دیده میشود که بیش از پنج باشش بر آنها در يك اطاق تنگ و کوچک گنجانده شده و مسافرت میکنند. راه آهنها تماماً در دست اروپائیان اداره میشود، دولت حاضر نشده است حتی بگنفر هندورا در یکی از دوائر راه آهن بخدمت بپذیرد. راه آهن هر ساله ضرر میدهد و دولت کسری بودجه آنرا بارضع مالیات در هندوستان از اهالی

استهلاك موده و تامین میکند . جمع کل قروضی که تنها از این راه هندوستان تعلق گرفته در این تاریخ بیش از ۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ دلار میباشد : دولت برای سرمایه‌دانی که از طرف مردم برای آسودگی تخصیص داده شده حد اقل منافع را منظور میدارد ولی کمپانیهای بریتانیا که عهددار ساختمان آن بودند حاضر بچنین معامله ای شدند . برای ایجاد حس ابداع و ابتکار و رقابت تجارتنی و بیشترت مشاغل شخصی و خصوصی از طرف دولت هیچگونه مساعدت و تشویقی بعمل نیامد . انحصار اشدترین و شدیدترین وضعی در جریان است ، تمام زیانها و خسراها از حیب مردم بیرون میاید ولی منافع بحیب تجار میبرود اینست : مصدیت راه آهن . (۱)

تجارت بحری بیش از تجارت بری در اقتصاد بریتانیا است . هندوها به هیچوجه اجازه ندارند از خود دارای بحریه تجارتنی باشند (۲) . تمام مال-التجاره های هندی باید توسط وسائل غایبه بریطاننائی حمل شود و رسول کراه آن از حیب يك ملت کدا و نهی دست بیرون آید . ساختمان کشتی که هزارها مدیرا مسکن بود از بیگاری بجات دهد در خود هندوستان عدغن شده است (۳)

، خسراها و زیانهای غیر مال بحری که در نتیجه وضع مالیات های گراف ، در نتیجه از بین رفتن صنعت بواسطه گمرکات گمرشکن ، و در نتیجه بحرای ارار بحارت بواسطه نظارت شدید خارجی داممگیر جامعه هندوستان میشود باید ملیونها پولو را که بیوسنه مانند سبل از هندوستان بخارج جریان دارد اصابه کنیم ، در این صورت حواهم دید دعاوی قضی که میخواهند فقر و سذگت و مدهات هندوستان را در نظر دیوانی که بواسطه کثرت گرفتاری خود از جریان داخلی آسملکت بی اطلاع است موهوم پرستی و جهل و تعصب قلمداد کند چه قدر سست و بی بنیاد و چه قدر قابل قبول است

دوات بریطانیا کاهی بتکذیب خطه اخیر پرداخته و جریان دانی و متعددی سبل ثروت را از هندوستان بخارج انکار مینماید . ما برای رفع این

(۱) لاجیات رای ص ۳۸۲

(۲) ایضا ص ۴۶۲

(۳) مائدرلاند ص ۲۶۵

اثبات و ادعای خود مجبور بذکر بعضی حقایق مسلمه بوده و میخواستیم
بانتقال قسمتی از بیانات دولت بر برطانیسا در پیتکا، پارلمان آن چه که
میکوئیم ثابت کنیم .

دولت بریطانیای کبیر علاوه مبالغ خطیری که از هندوستان بعنوان
مالیات و کمرک در یافت میدارد ، از خرج کردن و بهصرف رسانیدن پس
اندازبهای خزانه کاکته ، مدرس ، پمپنی ، در داخله انگلستان بجای هندوستان
که بالغ بر ۳۰۰۰۰۰۰۰۰۰ دلار میشود خودداری ندارد و از این راه
مبالغ خطیری عاید بر برطانیسا میگردد و علاوه نقل و انتقال عوائد شخصی و
خصوصی افراد از هندوستان بانگلستان تصدیق خود تجار انگلیسی عوائد
بسیاری برای انگلستان دارد (۱)

آچه که ذکر شد عبارت از کتب بوده اینک یادگر جرئیات، بیانات
هوق را روشن میکنم .

ابتدا باید معلومی را که هرگاه از راه تجارت از هندوستان خارج
میشود در نظر گرفت که تمام مال التجاره های هندی باید وسیله وسائل قایم
انگلیسی بخارج برود و این مسئله آنقدرها مهم میباشد آچه زبان آورز
است اکثر صادرات هندوستان است نسبت واردات آن در بعضی سنوات بر
برکت جمع کل واردات هندوستان توسط گویانی ۳۰۰۰۰۰۰۰۰۰ دلار و
جمع کل صادرات آن ۳۰۰۰۰۰۰۰۰۰ دلار میباشد (۲) اخیراً مدالائی
در این قسمت بدیده آمده و فرضی صادرات نسبت واردات است ثبات نزل
کرده است . در سال ۱۹۲۲ واردات هندوستان ۶۰۰۰۰۰۰ و ۶۵۶ دلار
صادرات آن ۸۹۴۲۸۰۰۰۰۰ دلار قیمت دانسته و بنا براین صادرات آن
۲۴۱۲۲۰۰۰۰۰ دلار بیش از وارداتش بوده است . این اصافه صادرات
کجا میروند و این مبالغ خطیر یکبسه چه انحصاری مبر بزد می خواهند
مارا متقاعد کنند که این پولها مجدداً شکل نقره و طلا به هندوستان بر میگردد

۱- هندوستان مترقی ص ۲۵۸

۲- لاجبات رای ص ۲۲۲

ولی شخص هر قدر هم نادان و بی اطلاع باشد هنگامی درجه فقر و مذلت و سفالت اهالی آن سر زمین را می بیند این انساخ را باور نخواهد کرد بدون تردید باید در این میان احتکاری در بین باشد که قبل از همه شاهزادگان هندوستان در آن ذیمدخل هستند . زیرا نمیتوان انتظار داشت که هندیها بیک سلسله اصول بانگی که توسط اجانب اداره میشود اعتماد کامل داشته باشند . این منافع عظیمه بجیب صاحبمنصبان لشگری و کشوری ، تجار و صاحبان کسب و تجارت که اغلب انگلیسی هستند میروند و پس از مدتی بهر گوک و کلک شده با انگلستان منتقل میگردد

یکی از تجار هندوستان ترقی در يك داپرت پارلمانی در سال ۱۸۵۳ چنین گفته است « تا سال ۱۸۴۷ جمع کل واردات بهندوستان ۳۰۰۰۰۰۰۰ دلار و جمع کل صادرات از هندوستان بالغ بر ۴۷۵۰۰۰۰۰ دلار شده و تفاوت بین این دو قلم همان یوای است که گیاهی بعنوان کمرک و مالیات در یافت داشته است » (۱)

اینک قدری دقیقتر شده و بینم پول این مملکت با اینکه سال بسال منافع هنگفتی جمع میگردد چطور بواسطه اعمال خارجی بعدها بطارح انتقال داده میشود . مثلا يك آدم از بریطانیا بعنوان ریاست ، سر بازی ، تجارت بهندوستان میاید مشغول کار می شود و همینکه کیسه اش از زر و سیم سوار گردید به بریطانیا با همان کیسه پر مراجعت میکند ببینید ادموند بورک Edmond Burke که شخصا انگلیسی و از اهالی بریطانیا است در باره این اشخاص چه میگوید . البته باید گفتار او را مقیاس قرار داده و نسبت ما بین اوضاع آن ایام و این دوره را هم که نفوذ و تجارت انگلیسی در هندوستان تا این اداره پیش رفته است در نظر بگیرند تا بدانند مطالب از چه قرار است . مشارالیه میگوید :

« این اشخاص آنقدر از مبادی آداب و رسوم اجتماعی هندوستان خود را کنار نگاهداشته و دورند که کوئی هنوز هم در انگلستان موطن خویش بسر ببرند ، با بومیان هندوستان در خارج از دایره امور بومی هیچگونه